

کلاهبرداری میلیاردي موسسات مهاجرتي

معاون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان قم از کلاهبرداری های میلیاردي با تبلیغات و وعده اخذ ویزای صددرصد تضمینی موسسات جعلی برای مهاجرت و اعزام دانشجوی به خارج کشور، به ویژه در فضای مجازی خبر داد.
حجت الاسلام تحریری گفت: اغلب این مالباختگان در شبکه های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام به دام این کلاهبرداران افتاده و با اعتماد به یک اکانت یا صفحه در فضای مجازی،



معصومه ملکی گروه حوادث

زندگی اش را هم در قمار باخت و همسرش از او جدا شد.
زندگی سامان و ملیحه از یک سال قبل در مسیر سراسیمه سقوط قرار گرفت، درست از زمانی که سامان تصمیم گرفت سراغ سایت های قمار برود و خیلی زود معتاد آن شد.
در این مدت ملیحه خیلی سعی کرد زندگی اش را نجات دهد اما وقتی موفق نشد به شعبه دوم دادگاه حوزه قضایی کهریزک رفت و درخواست جدایی از شوهرش را داد. بعد از چند هفته روز دادگاه فرا رسید و به آنجا رفت، روی صندلی سالن دادگاه نشسته و به روزهای پر فرازونشیب زندگی اش فکر می کرد که با صدای خانم منشی دادگاه به خود آمد و بعد راهی شعبه شد و مقابل قاضی نشست. قاضی بعد از بررسی پرونده ای که روی میز قرار داشت و نام ملیحه و سامان روی آن نوشته شده بود، از زن جوان خواست که درخواستش را مطرح کند. ملیحه اشک های روی گونه هایش را با روسری گلدارش پاک کرد و گفت: هفت سال قبل با عشق ازدواج کردم و پسری خردسال ثمره زندگی مان است. همه اعضای خانواده و فامیل حسرت زندگی ما را می خوردند اما کم کم دعوا و ناسازگاری ها شروع شد. همه مشکلات از یک سال قبل شروع شد. شوهرم سراغ سایت های شرط بندی رفت و او فوتبال گرفته تا اسب سواری و

سرمایه های مادی، اجتماعی و روانی کنونی و آینده خود را نابود می سازند.
وی با بیان این که برخی از این موسسات جعلی در خارج از کشور و برخی در داخل فعالیت می کنند، افزود: برخی موسسات خارجی مدعی هستند که در ایران نماینده و مشاور حقوقی دارند که پیگیری امور مهاجرت متقاضیان خواهند بود و برخی موسسات داخلی نیز مدعی داشتن روابط خاص با سفارت یا افسر مهاجرتی

با مسئولان دانشگاه ها هستند. در یکی از پرونده های اخیر مربوط به اخذ ویزای کانادا، مالباخته برای مهاجرت خانوادگی به کانادا با فروش منزل مسکونی خود مبلغ میلیاردي به یک موسسه خارجی پرداخت می کند و این موسسه نیز در هر مرحله مستندات صدور ویزا را برای او ارسال می کند اما پس از ماه ها سرگردانی با پیگیری و استعلام از اداره مهاجرت کانادا، مشخص می شود که تمامی این مستندات جعلی و کلاهبرداری بوده است.

اعتیاد مرد جوان با شرط بندی او را راهی دادگاه خانواده کرد

فروپاشی یک زندگی با قمار

بازی های آنلاین شرط می بست. اوایل این کارش یک جور سرگرمی بود اما کم کم روزی ۱۰ ساعت از وقتش در این سایت ها می گذشت و روز و شبش را نمی فهمید. اگر می باخت داد و فریاد راه می انداخت و اگر می برد، سرخف بود.
زن بغض گلویش را گرفت و هق هق گریه امزش نداد. آرام تر که شد، ادامه داد: اعتیاد او به قمار به حدی شد که خانواده اش گفتند مثل یک معتاد باید او را در کمپ بستری کنیم تا بهتر شود. باصرار من و خانواده اش چند روز در یک کلینیک تخصصی بستری شد اما عشق به بازی های قمار و آنلاین از سراو نیفتاد، بلکه بعد از خارج شدن از کلینیک بیشتر هم شد. همین حضورش در بازی قمار یا شرط بندی های آنلاین باعث شده بود که هر ماه مبلغ زیادی پول از دستش برود و بیازد. آخرین بار یک میلیارد تومان از سرمایه اش را در قمار آنلاین باخت. دیگر به من و فرزندانم توجهی نکرد و همه چیز پراش شده قمار. فقط طلاق می خواهم وبس. بعد از پایان حرف های او، در اتاق قاضی بازند سامان وارد شد و پشت صندلی همسرش نشست. قاضی رو به او کرد و گفت: همسرت بابت قماربازی اینترنتی اعتیاد شما به آن، دیگر حاضر به ادامه زندگی مشترک نیست. ادعای همسران را قبول دارید؟ سامان انگار منتظر این حرف بود رشته حرف را به دست گرفت و گفت: قماربازی و شرط بندی را دوست دارم. جزئی از زندگی ام است. هرچند گاهی



در این قمارها باخته ام اما همسرم باید مرا درک کند. اگر قمار نکنم افسرده می شوم. الان هم حاضر به طلاق همسرم نیستم. برای او و فرزندان کم نگذاشته ام و او باید علاقه مرا هم درک کند.
قاضی دادگاه بعد از شنیدن گفته های دوطرف پرونده و بررسی دلایل زن جوان، حکم طلاق را صادر کرد.
حبیب صادقی، قاضی شعبه دوم دادگاه حوزه قضایی کهریزک در این باره به جام جم گفت: جذایبت نرم افزارهای ارتباط جمعی باعث گسترش حضور افراد در فضای مجازی شده است که استفاده ناصحیح از آن آرامش را از زندگی های مشترک زوجین گرفته و زمینه ساز بروز اختلافات زناشویی و حتی طلاق شده است. اگر استفاده از فضای مجازی را مدیریت نکنند عواقب بدی در انتظارشان است. در این پرونده اگر شوهر خانواده به استفاده درست از فضای مجازی اقدام می کرد و کل زمان و هزینه خود را به جای بودن در فضای مجازی در کنار همسر و فرزند خود می گذراند زندگی اش این گونه نبود نمی شد. متأسفانه برخی سودجویان که در خارج از کشور حضور دارند، افراد را به سمت شرط بندی های اینترنتی جذب کرده و با وعده های دروغین و گاهی بردرآیندی حضور آنها، سعی می کنند آنها را معتاد به حضور در آنجا کنند. این سایت ها فقط به منفعت خود فکر می کنند و هر فردی در دام شان گرفتار شود، جزا دست دادن سرمایه و زندگی اش سودی دیگری نکرده است.

اتفاقیه

آخرین تلاش مردفداکار در ساحل نخیلو



مردفداکار

دوروز پیش، سواحل نخیلو در شهرستان بندر لنگه یکی از ترازیک ترین روزهای خود را پشت سر گذاشت. چهار گردشگر شیرازی که برای تفریح به این سواحل رفته بودند، درگیر امواج خروشان دریا شده و غرق شدند. این اتفاق در حالی رخ داد که یکی از این گردشگران برای نجات دیگران به دل دریا زده بود اما خود نیز اسیر امواج شد و جان باخت.
آرین شیخ رضایی، رضا حسینی (معلم و ورزشکار رشته بندسازی)، علیرضا بیابان نبرد (نایب رئیس هیات تکواندوی شهرستان بوانات) نام گردشگرانی است که در دریا جان خود را از دست دادند اما وضعیت گردشگر چهارم که گویا هنوز در بیمارستان پارسیان بستری است، هنوز مشخص نیست. البته برخی اهالی بندر لنگه می گویند او نیز در بیمارستان فوت شده است.
روز حادثه، شیخ رضایی همراه با گروه خود در گوشه ای از ساحل نخیلو نشسته و حسینی و بیابان نبرد نیز در گروه جداگانه دیگری مشغول لذت بردن از دریا بودند اما حادثه ای عجیب هر دو گروه را که هیچ شناختی از یکدیگر نداشتند، به هم گره زد.
سهراب کریمی از دوستان شیخ رضایی که در حادثه حضور داشت به خبرنگار جام جم می گوید: «ما ۱۰ نفر بودیم. ساعت ۳ بعد از ظهر کنار ساحل نشسته بودیم که پسری به سمت ما آمد و درخواست کمک کرد. من و دوستم آرین برای کمک رفتیم و آنجا تازه متوجه صدای کمک خواهی شان شدیم. آرین به آب زد و من هم بعد از برداشتن طناب را از آب گرفتم. یک نفر فلج ساحل ایستاده بود و می ترسید وارد آب شود. سر طناب را به او دادم و گفتم شای من ضعیف است. سر طناب را نگه دار و رها نکن. تا جایی که بتوانم، جلو می روم تا سر طناب را به آنهایی که در حال غرق شدن هستند، برسانم؛ اگر نتوانستم مرا بیرون بکش. تا یک جایی جلو رفتم اما بعد دیدم خیلی با آنها فاصله دارم. در همین حین، یک دفعه زیر پایم خالی و طناب از دستم رها شد. شرایط طوری بود که دیگر نتوانستم ادامه بدهم و برای همین به سمت ساحل برگشتم. مدتی بعد، ملوانی آمد و بعد از وارد شدن به آب، یکی از غرق ها را نجات داد اما وقتی سراغ دوست من رفت، گفت جریان آب خیلی تند است و امکان نجات او نیست. بعد هم قایق نجات از راه رسید و چند نفری را از آب گرفت که چون فاصله زیاد بود، نتوانستم تعداد شان را تشخیص دهم اما یکی شان را سوار آمبولانس کردند و به بیمارستان بردند. آرین نهایت تلاشش را برای نجات کرد اما موفق نشد و متأسفانه از دنیا رفت.»
به گفته سپهر معینی، یکی دیگر از دوستان شیخ رضایی، او تنها پسر خانواده و جزو تیم امداد و نجات ناچیان سوزمین پارس بود که در زمان وقوع حوادث مختلف پیشقدم بود. او در زلزله کرمانشاه و سی سخت یاسوج به کمک هموطنان زلزله زده رفت و آنها را تنها نگذاشت.
آن طوره که ناخدا ابراهیم رک جان از شاهدان حادثه به جام جم توضیح می دهد، روز حادثه او بعد از پیاده کردن مسافران به خانه رفت اما حوالی ساعت ۴ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر به او خبر دادند چند نفر در دریا با مرگ دست و پنجه نرم می کنند؛ «آن روز دریا خیلی مواج بود. یکی از بچه های ما توانست یکی از غرق ها را نجات دهد اما آب زیادی وارد ریه هایش شده بود. او را به بیمارستان بردند؛ اما آن طوره که می گویند فوت شده است. یک نفر دیگر هم مفقود شده بود که جسد او را صبح روز بعد در ساحل نخیلو پیدا کردند. من همیشه ترم می برم و ۱۶، ۱۵ سال است که در این کار هستم، همیشه به مسافران توصیه می کنم در هر نقطه ای وارد ساحل نخیلو نشوند اما متأسفانه بی توجهی به هشدارها و عدم آشنایی با فن شنا، چنین اتفاقات دردناکی را رقم می زند.»



از حیاط می رود. فیلم همین جا تمام می شود اما اهالی ارومیه به شدت از رفتار این زن آن هم با دختری که گفته می شود نامش آوا است، به شدت عصبانی هستند. حرف و حدیث ها در مورد این زن و پدر آوا زیاد است.

سارقان مسلح تلفن همراه در تور پلیس تهران گرفتار شدند

زنان، خط قرمز دزد سحر خیز

چند روز بعد با شکایت مشابه دیگری روبه رو شدند. این سرت، سارق با تهدید مرد جوانی با سلاح. گوشی او را سرقت کرد. بعد هم سراغ مرد دیگری که آن سوی خیابان بود، رفت و گوشی او را هم سرقت کرد.
ماموران در جست و جوی سارق مسلح بودند و همزمان شکایت ها از او افزایش پیدا می کرد. سارق زمانی که مالباختگان فرار می کردند، با تیراندازی هوایی آنها را متوقف می کرد. با تحقیق از شاکیان مشخص شد، سارق مسلح بین ساعت ۷ تا ۸ صبح سرقت های خود را انجام می داد و یک روز در میان، سراغ طعمه ها می رفت.
سردار ولی پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در این باره گفت: با شناسایی محل های سرقت ماموران آنجا را به طور نامحسوس زیر نظر گرفته و توانستند سارق را شناسایی و دستگیر کنند.

سارق حرفه ای که صبح زود با تهدید سلاح در تهران زورگیری تلفن همراه می کرد در دام پلیس گرفتار شد. کارآگاهان پلیس در عملیات دیگر، اعضای یک باند سرقت مسلحانه تلفن همراه را دستگیر کردند.
به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات در این پرونده از اوایل آذر امسال و با گزارش سرقت مسلحانه گوشی تلفن همراه مردی در تهران آغاز شد. شاکي در شکایت خود به ماموران گفت: کارم با گوشی تلفن همراه است و همه اطلاعات کاری ام را در گوشی تلفنم ذخیره کرده ام. امروز در حال رفتن به محل کارم بودم که مردی از موتورش پیاده شد و به سمت آمد. او با سلاح تهدیدم کرد و گوشی تلفن همراهم را گرفت. ترسیدم اگر مقاومت کنم به سمت شلیک کند و جانم را بگیرد. پس از این شکایت ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و

گفت وگو

سارق سحر خیزی هستم

۳۸ سال دارم و به گفته خود ش اولین بار است که دستگیر می شود. سراغ عابران مرد می رفت و زنان خط قرمز او برای سرقت بودند.

متاهلی؟

نه همسر از من جدا شده است.

چه شد تصمیم به سرقت گرفتی؟

نیاز مالی داشتم و کار درست و حسابی هم پیدا نمی شد. با دیدن فیلم های سرقت که در اینستاگرام منتشر می شود، وسوسه سرقت به جانم افتاد. وقتی می دیدم مالباخته ها خیلی راحت تسلیم می شوند به فکر سرقت مسلحانه افتادم.



مرگ دختر خردسال در دعا با پسر خاله ۵ ساله

دختر دو ساله به خانه خواهرم در محله پاسداران آمدم. دخترم و خواهرزاده پنج ساله ام مشغول بازی شدند. بعد از چند دقیقه بر سر یکی از اسباب بازی ها به هم دعوا کردند که خواهرزاده ام، دخترم را هل داد که سرش به کف اتاق خورد. او را آرام کرده و دوباره مشغول بازی شدند و بعد خوابید. روز جمعه که سراغش رفتم تا او را برای خوردن صبحانه بلند کنم، دیدم به سختی نفس می کشد و او را به بیمارستان بردیم که در آنجا فوت شد.
محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: دستور تحقیقات بیشتر در حالی صادر شد که قرار است پزشکی قانونی علت اصلی مرگ دختر دو ساله را مشخص کند.

آوا، قربانی نامادری خشمگین

فیلم چند ثانیه بیشتر نیست اما هر ثانیه اش پر از درد و رنج است، آن قدر زیاد که حتی تماشا ی همین چند ثانیه خیلی کوتاه، روح و روان انسان را می خراشد. زن سنگدل، انگار که هیچ عاطفه و احساس زنانه ی در او وجود ندارد. دختر کوچک لاغر اندامی را از اتاق بیرون آورده و بعد با گرفتن شانه های نجیف دخترک، او را به شدت روی زمین می اندازد. دخترک بی دفاع هم با سر و روئی آشفته از جایش بلند شده و به گوشه ای

روز گذشته فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که در آن یک نامادری سنگدل اهل ارومیه، دختر کوچک چهار ساله ای را با خشونت ی عجیب به حیاط خانه پرتاب کرد و بعد هم خبر رسید که دخترک به کما رفته است. فیلمی که انتشار آن واکنش سریع دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان آذربایجان غربی را به همراه داشت و متهم در حال حاضر به اتهام ضرب و جرح عمدی و شروع به قتل در بند نسوان زندان مرکزی ارومیه به سر می برد.

جام جم

حوادث INCIDENT

۱۹

سه شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲ شماره ۶۶۶۰

عدلیه

۳ مرگ مشکوک در یک روز

مرگ پسر جوان بر اثر خودسوزی، سقوط مرگبار دختر جوان از پنجره بالکن در مهمانی و فوت زنی هنگام جراحی پلک، سه مرگ مشکوک بود که روز یکشنبه به بازپرس ویژه قتل تهران گزارش شد.
به گزارش جام جم، ظهر بیست و ششم آذر امسال یکی از ماموران کلانتری ابوذر در تماس با شماره کشیک بازپرس قتل دادسرای جنایی از مرگ مشکوک پسری جوان خبر داد. در جریان تحقیقات اولیه معلوم شد که پسر جوان توسط دوستانش در حالی که دچار سوختگی شده بوده به بیمارستان انتقال یافت اما ساعاتی بعد فوت کرد. همچنین ماموران متوجه شدند والدین پسر فوت شده در بیمارستان حضور دارند. پدر او در اظهاراتش گفت: «پسرم فردا می رود. برای تفریح با دوستانش از خانه بیرون رفت اما بازنگشت. غیبتش طولانی شده بود و تلفن همراهش را هم با خودش نبود. دل نگراش بودیم که یکی از دوستانش با ما تماس گرفت و اطلاع داد او در بیمارستان بستری است. آنجا رفتیم و متوجه مرگش شدیم. از دوستان فرزندم شکایت دارم و تصور می کنم آنها پسرم را سوزانده باشند.» ماموران به تحقیق از دوستان جوان فوت شده پرداختند که آنها گفتند: «قرار بود همگی برای تفریح به پارک برویم که او قبول نکرد. در میانه راه او بظری ای که به دست داشت را روی خود خالی کرد و در مقابل چشمان ما فندک زده و خودش را سوزاند. به سختی آتش را خاموش کرده و دوستان ما را به بیمارستان رساندیم اما او فوت شد.»

۱۰ ساعت از مرگ این مرد جوان گذشته بود که ساعت ۱۲ شب زنگ تلفن بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران به صدا درآمد. ماموران کلانتری باغ فیض به او اطلاع دادند که دختری ۲۶ ساله از بالکن طبقه چهارم خانه ای در غرب تهران به پایین پرت شده و فوت کرده است. پلیس جنایی همزمان با حضور در محل حادثه و تحقیقات اولیه از طریق همسایه ها متوجه شد دختر فوت شده میمان همسایه طبقه چهارم بوده است. مرد صاحبخانه در تحقیقات مدعی شد: «دختر جوان با برادرم دوست بود و امشب همراه چند نفر دیگر مهمان خانه من بودند و نمی دانم چه اتفاقی افتاده که او از اتراش خانه به پایین افتاده و فوت کرده است.» برادر او به نام شهرزود هم گفت: «در اینستاگرام با آن دختر که پنج سال از من بزرگ تر بود آشنا شدم. شب مهمان برادرم بودم که او را نیز با خودم به آنجا بردم. مشغول پذیرایی از مهمان ها شدیم که از ما فاصله گرفت و وارد اتاق دیگری شد. بعد صدای افتادن شنیدیم. او را که صدا زدم نبود و دیدم در بالکن باز است. از تراس که نگاه کردم جسد او را در حیاط دیدم.»

هفت ساعت از مرگ دختر گذشته بود که مرگ زنی ۴۲ ساله یکی از بیمارستان های شمال تهران به بازپرس کشیک قتل گزارش شد. با دستور قضایی و تحقیقات اولیه پلیسی معلوم شد این زن دچار افتادگی پلک بوده و پزشک گفته برای این که بهتر بتواند ببیند و به بینایی اش آسیبی وارد نشود، باید جراحی پلک را انجام دهد. بنابراین او چند روز قبل برای عمل جراحی به یکی از بیمارستان های دولتی در شمال تهران می رود اما روز دوشنبه بیست و هفتم آذر امسال هنگام عمل جراحی فوت می کند. این درحالی بود که پزشک معالjš به او گفته بود درمان وی موفق است و خطری او را تهدید نمی کند اما این گونه نشد.

قاضی علیمردان در پایان گفت: در پرونده سوختگی مرد جوان قرار شد که تیم پلیس جنایی از دوستان مرد فوت شده تحقیق انجام دهد تا معلوم شود او خودسوزی کرده یا مرگ او بر اثر دگرسوزی بوده است. همچنین در پرونده مرگ دختر جوان دستور تحقیقات بیشتری صادر شد تا معلوم شود او خودکشی کرده است یا نه. علاوه برآن پرونده زن فوت شده در بیمارستان چون خانواده اش از پزشک و کادر درمان شکایت داشتند به دادسرای جرایم پزشکی ارسال شد.



اعتراف زن قاچاقچی به قتل پیرزن

زنی که ۱۱ سال قبل زن سالخوره ای را به قتل رسانده و اکنون به اتهام قاچاق مواد مخدر بازداشت شده بود به قتل او اعتراف کرد.

سرهنگ صادق شکری، رئیس پلیس آگاهی انتظامی آذربایجان غربی در این باره به فارس گفت: زن سالخوره ای سال ۱۳۹۱ به قتل رسید و عامل قتل او از آن زمان تحت تعقیب پلیس بود تا این که با گذشت بیش از ۱۱ سال از این ماجرا، چند روز پیش ماموران به خانمی که به اتهام حمل مواد مخدر توسط پلیس دستگیر شده بود، مشکوک شده و چون او شبیه قاتل فراری پیرزن بوده به تحقیقات در این رابطه ادامه دادند. او سرانجام به قتل پیرزنی در سال ۱۳۹۱ در یکی از محله های ارومیه با انگیزه سرقت از مقتول، اعتراف کرد.